

The Nature of Pure Life (Hayat-e Tayyibah) in the Thought of Muslim Thinkers and Islamic Society*

Hadi Haji Hassan Donyadideh 

Assistant Professor, Faculty of Educational Sciences, Allameh Askari International University, Qom, Iran..
Donyadideh@aaiu.ac.ir



Abstract

The purpose of the present study is to investigate the nature and essence of pure life (Hayat-e Tayyibah) in the thought of Islamic scholars. This research is an applied study. Data collection was performed using the note-taking method, and the grounded theory approach was utilized for data analysis. The obtained results indicate that the concept of "pure life" in the thought of Islamic philosophers and scholars is defined as an ideal and perfected human life achieved through the centrality of rationality, moral virtue, and proximity to God. These perspectives have been examined from various viewpoints, including philosophical, mystical, social, and Shiite dimensions. Miskawayh emphasizes self-purification and practical wisdom; Al-Farabi considers the utopian virtuous city (Madina al-Fadila) and the leadership of the philosopher-prophet as central; Avicenna identifies connection to the active intellect as the way to achieve happiness (Avicenna, 1384, pp. 310–315); Al-Ghazali gives primacy to Sufism and servitude; Khwaja Nasir al-Din al-Tusi offers a synthesis of reason and

* Haji Hassan Donyadideh, H. (2025) Investigation and Analysis of Non-Media Causes behind the Identity Challenges of Contemporary Iranian Adolescents. *Islam and Social Studies*, 13(4), pp. 34-65.
<https://doi.org/10.22081/jiss.2026.73113.2179>

▣ **Article Type:** Research Article; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

▣ **Received:** 2025/06/28 • **Revised:** 2025/09/11 • **Accepted:** 2025/11/06 • **Online Publication:** 2025/12/30

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



divine law; and Ibn Khaldun explains pure life within primitive society using a historical-social approach. Contemporary thinkers such as Imam Khomeini, Ayatollah Motahhari, and Ayatollah Khamenei have also defined this concept within the context of Islamic government and the modern Islamic civilization by adding political and revolutionary concepts. The research results show that pure life manifests in three dimensions: the individual dimension, which includes the two components of rationality/wisdom and self-purification/ethics, achieved through theoretical reason, practical reason, and moral virtues; the social dimension, which includes the two components of society/justice and leadership/governance, drawn from the categories of the virtuous city, social solidarity, and the guardianship of the Islamic jurist (Wilayat al-Faqih); and the metaphysical dimension, which includes worship and divine proximity, shaped by the categories of mysticism and intuition, sincerity and servitude, and the immortality of the soul.

Keywords

Pure Life (Hayat-e Tayyibah), Thought, Muslim Thinkers, Islamic Society.

پیشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چیستی حیات طیبه در اندیشه متفکران مسلمان و جامعه اسلامی*

هادی حاجی حسن دنیادیده 

استادیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه بین المللی علامه عسکری قم، ایران.

Donyadideh@aaiu.ac.ir



چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی ماهیت و چیستی حیات طیبه در اندیشه علمای اسلامی است. این پژوهش از نوع تحقیقات کاربردی است. جمع‌آوری داده‌ها به روش فیش‌برداری بوده و برای تحلیل داده‌ها از روش داده‌بنیاد استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد مفهوم «حیات طیبه» در اندیشه فلاسفه و علمای اسلامی به عنوان زندگی آرمانی و متکامل انسانی تعریف می‌شود که با محوریت عقلانیت، فضیلت اخلاقی و تقرب به خدا تحقق می‌یابد. این دیدگاه‌ها از منظرهای گوناگون شامل فلسفی، عرفانی، اجتماعی و شیعی بررسی شده‌اند. مسکویه، بر تهذیب نفس و حکمت عملی تأکید دارد، فارابی، مدینه فاضله و رهبری حکیم-پیامبر را محور می‌داند، ابن سینا، اتصال به عقل فعال را راه رسیدن به سعادت (ابن سینا، ۱۳۸۴، صص ۳۱۰-۳۱۵) می‌شناسد، غزالی بر تصوف و بندگی اصالت می‌دهد، خواجه نصیرالدین طوسی تلفیق عقل و شرع را ارائه می‌کند، و ابن خلدون با رویکرد تاریخی-اجتماعی به تبیین حیات طیبه در جامعه بدوی می‌پردازد. اندیشمندان معاصر مانند امام خمینی رحمه الله، شهید مطهری رحمه الله و آیت الله خامنه‌ای رحمه الله نیز با افزودن مفاهیم سیاسی و انقلابی، این مفهوم را در بستر حکومت اسلامی و تمدن نوین تعریف کرده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد حیات طیبه در سه بعد فردی، شامل دو مؤلفه عقلانیت و خردورزی و تهذیب

* حاجی حسن دنیادیده، هادی. (۱۴۰۴) بررسی و تحلیل علل غیر سانه‌ای چالش هویت‌یابی نوجوانان ایران معاصر. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۳(۴)، صص ۳۴-۶۵.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2026.73113.2179>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۷ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۶/۲۰ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۵ □ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۰/۰۹

© ۱۴۰۴ «نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند»



نفس و اخلاق، و جهت دستیابی به آن از عقل نظری، عقل عملی و فضائل اخلاقی اتفاق می‌افتد، در بعد اجتماعی که شامل دو مؤلفه اجتماع و عدالت و رهبری و حکمرانی است از مقوله مدینه فاضله، همبستگی اجتماعی و ولایت فقیه باید مدد جست و برای بعد متافیزیک که شامل عبادت و تقرب الهی است از مقوله‌های عرفان و شهود، اخلاص و بندگی و جاودانگی نفس قابل شکل‌گیری می‌باشد.

کلیدواژه‌ها

حیات طیبه، اندیشه، متفکران مسلمان، جامعه اسلامی.



مقدمه

حیات طیبه (زندگی پاک و نورانی) مفهومی بنیادی در جهان‌بینی اسلامی است که در آیه ۹۷ سوره نحل به آن اشاره شده است:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً»؛ هر کس کار شایسته‌ای کند، خواه مرد یا زن، درحالی که مؤمن باشد، قطعاً او را به زندگی پاک زنده می‌داریم. با سیری در مطالعه این مفهوم، علمای اسلامی سه بعد اصلی حیات طیبه را؛ ایمان عمیق (باور به خدا، قیامت و هدفمندبودن آفرینش) عمل صالح (رفتارهای همسو با ارزش‌های الهی در تمام عرصه‌ها) طهارت باطنی (پاکی از رذایل اخلاقی مانند حسد، تکبر و کینه) بیان کرده‌اند. افرادی که در پی حیات طیبه هستند، دارای شاخص‌های عینی آن شامل؛ آرامش درونی: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد، ۲۸)، نعمت‌های معنوی (احساس قرب الهی حتی در سختی‌ها) و رفتارهای نورانی (صداقت، ایثار و عدالت در روابط اجتماعی) می‌گردند.

حیات طیبه نوعی زیست فردی و اجتماعی مبتنی بر ایمان، اخلاق، عدالت، عقلانیت و معنویت است که در چارچوب جامعه و حکومت اسلامی و با هدف دستیابی به کمال انسانی و تمدن نوین اسلامی تحقق می‌یابد (قرآن کریم، نحل: ۹۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۳۴۶؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۴). در گستره اندیشه اسلامی، مفهوم «حیات طیبه» به عنوان آرمانی متعالی برای زندگی انسان، همواره کانون توجه فلاسفه، عرفا و متفکران بوده است. این مفهوم که ریشه در متون دینی و حکمی دارد، به زندگی‌ای اشاره می‌کند که در آن انسان با تکیه بر عقلانیت، فضیلت اخلاقی و تقرب به خدا، به کمال مطلوب خویش دست می‌یابد. حیات طیبه جایگزین ضروری برای الگوهای زندگی مدرن است که با تمرکز بر مادیت، انسان را از معنویت و اخلاق دور کرده‌اند. تحقق آن نه یک انتخاب اختیاری، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای فرد، جامعه و تمدن اسلامی است و بدون آن، بقای معنوی جامعه در خطر خواهد بود. از آنجا که این موضوع از زوایای مختلف قابل بررسی است، دیدگاه‌های متفاوتی در میان اندیشمندان اسلامی شکل گرفته که هر یک با تأکید بر جنبه‌ای خاص، به تبیین ابعاد گوناگون آن پرداخته‌اند.

از مسکویه که با نگاهی فلسفی - اخلاقی به تهذیب نفس و حکمت عملی می‌پردازد (مسکویه، ۱۳۸۲، صص ۴۵-۴۷) تا فارابی که با طراحی «مدینه فاضله» آرمان‌شهر عقلانی را ترسیم می‌کند (فارابی، ۱۳۸۵، صص ۷۰-۷۵)، از ابن سینا که «اتصال به عقل فعال» را محور اصلی می‌داند (ابن‌سینا، ۱۳۸۴، صص ۳۱۰-۳۱۵)، تا غزالی که بر تصوف و عبادت تأکید می‌ورزد (غزالی، ۱۳۸۹، صص ۴۰-۵۰)؛ و از خواجه نصیرالدین طوسی که تلفیق عقل و شرع را پیش می‌نهد (طوسی، ۱۳۸۶، صص ۴۵-۴۷)، تا ابن خلدون که با رویکردی تاریخی - اجتماعی به تحلیل جامعه آرمانی می‌پردازد (ابن‌خلدون، ۱۳۸۴، صص ۱۱۲-۱۱۸)؛ همگی گویای تنوع و غنای این مفهوم در اندیشه اسلامی هستند. افزون بر این، متفکران معاصر همچون امام خمینی، شهید مطهری و آیت‌الله خامنه‌ای با افزودن بُعد سیاسی و انقلابی به مفهوم حیات طیبه، آن را در چارچوب تحقق حکومت اسلامی و حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی بازتعریف کرده‌اند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳؛ مطهری، ۱۳۹۶، ج ۲؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۷). اساس درباره حیات طیبه این است که این مفهوم فقط به آخرت محدود نیست؛ بلکه کیفیت زندگی دنیوی را نیز متحول می‌کند. همان‌طور که پیامبر اسلام ﷺ فرمودند «مَنْ عَمِلَ بِمَا عَلِمَ وَرَثَةُ اللَّهِ عِلْمٌ مَا لَمْ يَعْلَمْ»؛ هر که به آنچه می‌داند عمل کند، خداوند علم آنچه نمی‌داند را به او ارث می‌دهد (مجلسی، ۱۳۸۴)؛ همچنین همه دانشمندان اسلامی اتفاق نظر دارند که حیات طیبه زندگی برتر است و با هیچ موهبت مادی قابل مقایسه نیست.

هدف این نوشتار آن است تا با بررسی تطبیقی دیدگاه‌های یاد شده، تصویری جامع از مفهوم حیات طیبه ارائه دهد و با روش توصیفی - تحلیلی، وجوه اشتراک و افتراق این دیدگاه‌ها را مورد کنکاش قرار دهد. در ادامه در پی سازوکار تحقق حیات طیبه است و در پایان، با بهره‌گیری از روش داده‌بنیاد، مدلی نظری برای تبیین این مفهوم ارائه خواهد شد که می‌تواند به عنوان چارچوبی برای پژوهش‌های آتی مورد استفاده قرار گیرد.

۱. مبانی نظری حیات طیبه

مفهوم بنیادین حیات طیبه یکی از محورهای اصلی اندیشه اسلامی است که ریشه در آیه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مَنْ ذَكَرَ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً» (نحل، ۹۷) دارد و از منظر

مفسران و پژوهشگران معاصر، این زندگی مطلوب فراتر از سعادت اخروی و رفاه مادی، بلکه ترکیبی از ایمان، عمل صالح، آرامش روانی، عدالت اجتماعی و زیست اخلاقی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۳۳۷؛ آزاد ارمکی، ۱۳۹۲، ص ۵۴).

۱-۱. مبانی قرآنی و روایی حیات طیبه

در قرآن کریم، حیات طیبه در پیوند با ایمان، تقوا، عمل صالح و یاد خدا مطرح می‌شود. روایات اسلامی نیز این مفهوم را با رضایت الهی، قناعت، اخلاق نیکو و سلامت اجتماعی گره می‌زنند. در روایات، حیات طیبه به معنای «قلب سلیم»، «آرامش نفس» و «زیست اخلاقی در جامعه» تفسیر شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶).

۲-۱. مبانی فلسفی - اخلاقی (دوره کلاسیک اسلامی)

مسکویه، سعادت را در تزکیه نفس، تعادل قوای نفسانی و عمل بر اساس فضیلت می‌داند (مسکویه، ۱۳۸۲، ص ۴۵)، فارابی، حیات مطلوب را نتیجه فضیلت جمعی، عقل و سامان سیاسی درست می‌داند (فارابی، ۱۳۸۵، ص ۷۲)، طوسی، سعادت انسان را در هماهنگی عقل نظری، اخلاق عملی و شریعت می‌بیند (طوسی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۲)، غزالی، حیات طیبه را محصول طهارت باطن، نیت خالص، و عبادت همراه با مراقبه می‌داند (غزالی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۰).

۳-۱. مبانی اجتماعی - تاریخی

ابن خلدون، سعادت اجتماعی را وابسته به نظم، عدالت، عصیت سالم و ثبات قدرت سیاسی می‌داند (ابن خلدون، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۵۶).

۴-۱. مبانی سیاسی و تمدنی (اندیشه معاصر)

امام خمینی رحمته الله علیه، حیات طیبه را در گرو عدالت، استقلال سیاسی، و تشکیل حکومت

اسلامی می‌داند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۱۴۵)، مطهری، حیات طیبه را نتیجه آزادی مسئولانه، عدالت اجتماعی، و ایمان آگاهانه می‌داند (مطهری، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۸۷)، آیت الله خامنه‌ای رحمته الله علیه حیات طیبه را در چارچوب خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی تبیین می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۵).

۵-۱. مبانی عرفانی

- مولوی در مثنوی معنوی: حیات طیبه را زندگی در اقیانوس عشق الهی توصیف می‌کند و می‌گوید: «مرده بدم زنده شدم، گریه بدم خنده شدم / دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم» (مولوی، ۱۳۸۶).
 - ابن عربی در فصوص الحکم: حیات طیبه را حیات در پرتو تجلیات اسماء الهی می‌داند و معتقد است انسان کامل، مظهر اسم «الحی» است (ابن عربی، ۱۳۹۹).
 - آیت الله بهجت حیات طیبه را در ذکر و مراقبه می‌دانستند و ذکر را اعم از ذکر قلبی و لسانی و حتی تمام طاعات می‌دانستند و تأکید بر عمق عبادت به جای کمیت داشتند (رخشاد، ۱۴۰۲، ص ۱۰۸).
- بر اساس مبانی فوق، حیات طیبه دارای ابعاد زیر است:

جدول شماره ۱: ابعاد مبانی حیات طیبه

مؤلفه‌ها	بُعد
ایمان، اخلاق، تزکیه نفس	فردی
عدالت، مسئولیت‌پذیری، نظم اجتماعی	اجتماعی
حکومت صالح، مبارزه با ظلم	سیاسی
پیشرفت توأم با معنویت	تمدنی
قرب الهی، آرامش درونی	معنوی
تجلیات اسماء الهی	عرفانی

۲. روش پژوهش

برای به دست آوردن نتایج این پژوهش از روش داده بنیاد استفاده شده است. روش داده بنیاد یک روش تحقیق کیفی است که به پژوهشگر اجازه می‌دهد به جای شروع با نظریه‌های از پیش موجود، مستقیماً از داده‌ها به تولید نظریه برسد. در روش داده بنیاد هدف کشف نظریه‌ای است که ریشه در داده‌های واقعی دارد و به توضیح پدیده‌ی مورد مطالعه می‌پردازد. در این روش نظریه به صورت استقرایی و از پایه (داده) به سمت کل (نظریه) شکل می‌گیرد (Glaser & Strauss, 1967, p. 1)

جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از روش فیش برداری از جامعه و منابع جدول (۱) صورت پذیرفت. و تا اشباع نظری (زمانی که داده‌های جدید اطلاعات تازه‌ای اضافه نکنند) جمع‌آوری داده متوقف شد. معیار انتخاب جامعه، مفاهیم و مطالبی است که درباره حیات طیبیه در آثار فلاسفه و علمای فوق بیان شده است. در این پژوهش و در تجزیه و تحلیل متن پس از جمع‌آوری داده‌ها، ایجاد کدهای باز و تجزیه داده‌ها به واحدهای معنادار و اختصاص برچسب (کد) به آنها انجام گرفت. در مرحله بعد کدگذاری محوری و سازماندهی کدهای باز حول مقوله‌های محوری و کشف ارتباط میان آنها و سپس کدگذاری انتخابی و یکپارچه سازی مقوله‌ها حول یک مقوله هسته و در نهایت تدوین نظریه نهایی انجام گرفت.

جدول شماره ۲: منابع پژوهش؛ فلاسفه و عرفای کلاسیک اسلامی و اندیشمندان معاصر اسلامی

اندیشمند	دوره	منبع	محور دیدگاه
ابونصر فارابی	سده ۳-۴ ق	آراء اهل المدینه الفاضله	حیات طیبیه در جامعه آرمانی (مدینه فاضله) با رهبری حکیم-پیامبر ﷺ
ابن مسکویه	سده ۴-۵ ق	تهذیب الاخلاق	حیات طیبیه مبتنی بر تهذیب نفس و کسب فضایل اخلاقی

www.jiss.isca.ac.ir

۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش ابعاد اصلی حیات طیبه و ارتباط میان آن‌ها در دیدگاه دانشمندان اسلامی درباره حیات طیبه با استفاده از روش داده‌بنیاد استخراج گردید که در جدول زیر مفاهیم و آراء کلیدی دانشمندان آورده شده است.

جدول شماره ۳: مفاهیم و آراء کلیدی دانشمندان

ردیف	اندیشمند	کدهای مستخرج (مفاهیم کلیدی)
۱	فارابی	مدینه فاضله، رهبری حکیم-پیامبر ﷺ، عقلانیت جمعی، همکاری اجتماعی، اتصال به عقل فعال
۲	ابوعلی سینا	عقل فعال (عقل القدس)، جاودانگی نفس، معرفت، تهذیب نفس، فضیلت فردی
۳	ابن مسکویه	تهذیب اخلاق، فضایل چهارگانه (حکمت، عفت، شجاعت، عدالت)، محاسبه نفس، مصاحبت با نیکان، عدالت‌محوری، اعتدال، پالایش نفس از رذایل، تزکیه عملی
۴	ابن عربی	حیات طیبه منزلت اقطاب، عمل به نیکویی‌ها، مقام فنای در حق، شهود، حیات دنیا متاع زودگذر، زندگی مبتنی بر عشق و محبت، همنشینی با اولیا، تولد دوباره معنوی
۵	غزالی	اخلاص، بندگی، قرب الهی، مجاهده نفس، عبادات قلبی، نقد فلسفه، شهودگرایی
۶	خواجه نصیرالدین طوسی	عدالت فردی و اجتماعی، تلفیق عقل و شرع، عرفان شیعی، مشارکت اجتماعی

ردیف	اندیشمند	کدهای مستخرج (مفاهیم کلیدی)
۷	ابن خلدون	عمران (تمدن)، عصبیت (همبستگی)، اخلاق بدوی، ساده‌زیستی، اجتناب از فساد شهری
۸	ملا مهدی نراقی	جامع السعادات (کمال نهایی)، سعادت حقیقی، تهذیب اخلاق، عدالت به عنوان اساس اصلاح جامعه، مبارزه با انحرافات (صوفیه و اخباری‌گری)، عزت نفس، قناعت، امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح اجتماعی
۹	علامه طباطبائی رحمته الله علیه	حیات طیبه حیاتی جدید و مختص مؤمنان دارای عمل صالح، خودشناسی منشأ عبادت، ایمان قرین با عمل صالح، پذیرش ولایت ائمه علیهم السلام ، ترک لذت‌های زودگذر دنیایی، اعتباریات، اصالت واقعیت، حیات معقول، عبادت و بندگی، قرب به خدا
۱۰	امام خمینی رحمته الله علیه	ولایت فقیه، اخلاق عرفانی، تقوا، جهاد، حکومت اسلامی، تلفیق عرفان و سیاست
۱۱	آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه	ذکر، مراقبه، اخلاص، دوری از غفلت، عمق عبادت
۱۲	مرتضی مطهری رحمته الله علیه	عقلانیت انتقادی، عدالت، آگاهی، مسئولیت‌پذیری، مبارزه با ظلم، ارزش‌های الهی
۱۳	آیت‌الله خامنه‌ای رحمته الله علیه	تمدن نوین اسلامی، عزت، استقلال، جهاد علمی، اقتصاد مقاومتی، خودباوری

بعد از جمع‌آوری داده‌های کلیدی، کدگذاری باز انجام گرفت. در مرحله بعد کدگذاری محوری و سازماندهی آنها حول مقوله‌های محوری و کشف ارتباط میان آنها و در نهایت کدگذاری انتخابی حول یک مقوله هسته انجام گرفت که در جدول زیر مراحل فوق آورده شده است.

جدول شماره ۴: مراحل کدگذاری در داده بنیاد

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
ابعاد فردی	۱. تهذیب نفس و اخلاق	تهذیب نفس، تهذیب اخلاق، فضیلت فردی، فضایل چهارگانه (حکمت، عفت، شجاعت، عدالت)، محاسبه نفس، مصاحبت با نیکان، عدالت محوری، اعتدال، پالایش نفس از رذایل، تزکیه عملی، مجاهده نفس، اخلاق بدوی، جامع السعادات (کمال نهایی)، سعادت حقیقی، عزت نفس، قناعت، تقوا، دوری از غفلت، مسئولیت پذیری، ارزش های الهی، خودباوری
	۲. عقلانیت و خردورزی	عقلانیت جمعی، اتصال به عقل فعال، عقل فعال (عقل القدس)، معرفت، نقد فلسفه، عقلانیت انتقادی، خودشناسی منشأ عبادت، اعتباریات، اصالت واقعیت، حیات معقول، عقلانیت انتقادی، آگاهی
ابعاد اجتماعی	۳. اجتماعی و عدالت	مدینه فاضله، همکاری اجتماعی، عدالت فردی و اجتماعی، مشارکت اجتماعی، عمران (تمدن)، عصبيت (همبستگی)، ساده زیستی، اجتناب از فساد شهری، عدالت به عنوان اساس اصلاح جامعه، امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح اجتماعی، ایمان قرین با عمل صالح، عدالت، مبارزه با ظلم، تمدن نوین اسلامی، اقتصاد مقاومتی
	۴. رهبری و حکمرانی	رهبری حکیم - پیامبر ﷺ، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، تلفیق عرفان و سیاست، رهبری حکیم - پیامبر ﷺ

کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری انتخابی
اخلاص، بندگی، قرب الهی، عبادات قلبی، شهودگرایی، عرفان شیعی، اخلاق عرفانی، ذکر، مراقبه، عمق عبادت، عبادت و بندگی، قرب به خدا، اخلاق عرفانی	۵. عبادت و تقرب الهی	ابعاد متافیزیک
پذیرش ولایت ائمه علیهم السلام، حیات طیبه منزلت اقطاب، همنشینی با اولیا	۶. توسل و زیارت	

در ادامه به تبیین هر یک از این ابعاد پرداخته می‌شود.

۳-۱. ابعاد فردی حیات طیبه

برای تحقق حیات طیبه در بعد فردی می‌بایست دو مؤلفه (۱) عقلانیت و خردورزی و (۲) تهذیب نفس و اخلاق در هر فردی شکوفا گردد.

۳-۱-۱. عقلانیت و خردورزی

مؤلفه عقلانیت و خردورزی مفاهیم مشترک در دیدگاه مسکویه، فارابی، ابن سینا و خواجه نصیر است. عقلانیت به معنای بهره‌گیری از خرد و اندیشه در تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهاست که پایه‌ی تکامل فرد و جامعه به شمار می‌رود. خردورزی تنها به معنای هوش ذاتی نیست؛ بلکه توانایی تحلیل منطقی، تجزیه و تحلیل اطلاعات و انتخاب بهترین راه‌حل در شرایط مختلف است. در اندیشه‌ی اسلامی، عقل به عنوان «حجت باطنی» شناخته می‌شود که انسان را به شناخت حقایق و تمایز میان خوب و بد رهنمون می‌سازد (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۷۱). عقلانیت واقعی زمانی تحقق می‌یابد که همراه با اخلاق و معنویت باشد تا به جای خودمحوری، به خدمت به دیگران بینجامد. جامعه‌ای که خردورزی را ترویج کند، از جهل و تعصب فاصله گرفته و به سمت پیشرفت و عدالت حرکت می‌کند. عقلانیت همچنین مانع از تصمیم‌های احساسی و شتابزده می‌شود و زمینه‌ساز خلاقیت و نوآوری است. در جهان امروز، ترکیب عقلانیت با فناوری‌های

مدرن، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای حل چالش‌های پیچیده است. عقلانیت و خردورزی یکی از پیش‌نیازهای فردی برای تحقق حیات طيبة است.

۳-۱-۲. تهذیب نفس و اخلاق

مؤلفه تهذیب نفس و اخلاق محوریت در آرای مسکویه، غزالی و خواجه نصیر دارد. تهذیب نفس به معنای پالایش درون از رذایل اخلاقی و آراستگی به فضایل انسانی است که اساس سعادت فردی و اجتماعی محسوب می‌شود (غزالی، ۱۳۸۹). این فرایند مستلزم خودآگاهی، مراقبه و مبارزه‌ی مستمر با هواهای نفسانی است. در آموزه‌های اسلامی، تهذیب نفس پیش‌نیاز تقرب به خداوند و رسیدن به «حیات طيبة» دانسته شده است. اخلاق نیکو تنها به معنای رفتارهای ظاهری نیست؛ بلکه ریشه در نیت پاک و ایمان قلبی است. جامعه‌ای که بر پایه‌ی اخلاق استوار باشد، از فساد، بی‌عدالتی و تبعیض در امان می‌ماند. تهذیب نفس همچنین زمینه‌ساز تعامل سازنده با دیگران و تحکیم پیوندهای اجتماعی است. در زمان مدرن، تلفیق اخلاق با عقلانیت و دانش، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای پاسخ‌گویی به چالش‌های اخلاقی جدید است. بدون تهذیب نفس، دانش و ثروت ممکن است به ابزاری برای تخریب تبدیل شود؛ بنابراین، پرورش فضیلت‌های اخلاقی باید در قلب نظام‌های تربیتی و فرهنگی قرار گیرد. اخلاق و تهذیب نفس نیز به عنوان یکی از پیش‌نیازهای فردی برای تحقق حیات طيبة به شمار می‌آید.

۴. مؤلفه‌های تعالی‌بخش در بعد فردی حیات طيبة

در بعد فردی حیات طيبة و برای دستیابی به مؤلفه‌های عقلانیت و خردورزی و تهذیب نفس و اخلاق سه مؤلفه عقل نظری، عقل عملی و فضائل اخلاقی باید تکامل یابد.

۴-۱. عقل نظری

عقل نظری به عنوان پایه‌ای اساسی در تحقق حیات طيبة، نقشه‌ای جامع از حقیقت و معنای زندگی ارائه می‌دهد. این بعد از عقل، مسئول شناخت هستی، درک مفاهیم کلی

و کشف قوانین حاکم بر جهان است. در مسیر حیات طیبه، عقل نظری همچون چراغی فراراه انسان، حقایق متافیزیکی (مانند وجود خدا، هدف آفرینش و جایگاه انسان) را مشخص می‌کند. بدون هدایت عقل نظری، رفتارها و انتخاب‌ها ممکن است بر اساس جهل یا شبهه صورت گیرند و مسیر کمال انسانی منحرف شود (فارابی، ۱۳۸۵، ص ۴۱). این بعد از عقل، زمینه‌ساز خردورزی عمیق و تصمیم‌گیری آگاهانه در تمام مراحل زندگی است. این عقل با تفکر در آیات آفاقی و انفسی، زمینه‌ی ایمان آگاهانه و عمل صالح را فراهم می‌کند همان گونه که خداوند تعالی در قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۱۶۴ می‌فرماید: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ». در متون اسلامی، عقل نظری «حجت باطن» نامیده می‌شود که انسان را به سوی سعادت رهنمون می‌سازد. تقویت این عقل از طریق مطالعه، تدبر و آموزش، برای دستیابی به حیات طیبه ضروری است (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۵۱). بدون بهره‌گیری از عقل نظری، شناخت اهداف آفرینش و مسیر کمال انسانی ناقص می‌ماند (ابن‌سینا، ۱۴۳۴ق، نمط ۹).

۴-۲. عقل عملی

عقل عملی به عنوان راهنمای رفتار و کردار انسان، نقش اساسی در تحقق حیات طیبه ایفا می‌کند. این بعد از عقل، مسئول ترجمه معرفت نظری به عمل اخلاقی و مدیریت رفتارهای فردی و اجتماعی است. عقل عملی با تنظیم غرایز، کنترل هیجانات و انتخاب راه‌های نیل به سعادت، مسیر زندگی را بر اساس ارزش‌های الهی هموار می‌سازد. در حیات طیبه، عقل عملی همچون فرماندهی حکیم، خواهش‌های نفسانی را مهار کرده و آنها را با معیارهای عدالت و تقوا همسو می‌کند. بدون آن، فضایل اخلاقی در مرحله نظر باقی می‌مانند و به مرحله عمل نمی‌رسند. عقل نظری به عنوان پایه‌ی شناخت در حیات طیبه، مسئول درک حقایق متافیزیکی و کشف رابطه‌ی جهان با خالق هستی است. این عقل با تدبر در آیات تکوینی (آفاق) و شناخت نفس (انفس)، انسان را به معرفت الله می‌رساند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (آل عمران، ۱۹۰). در روایات اسلامی، عقل نظری «چراغ هدایت» نامیده

شده که راه تمایز حق از باطل را نشان می‌دهد (کلینی، ۱۳۹۳). تقویت آن از طریق مطالعه‌ی فلسفی و تفکر در نظام آفرینش، زمینه‌ساز ایمان عمیق و عمل آگاهانه است. بدون بهره‌گیری از عقل نظری، حیات طیب به سطحی ناقص و ظاهری کاهش می‌یابد.

۳-۴. فضائل اخلاقی

فضائل اخلاقی به عنوان ستون‌های اساسی حیات طیب، تجلی تعادل و تعالی در رفتار فردی و اجتماعی انسان هستند. این فضائل که ریشه در فطرت الهی انسان دارند، شامل صداقت، عدالت، عفت، شجاعت و ایثار می‌شوند. در مسیر حیات طیب، فضائل اخلاقی تنها به معنای رعایت آداب ظاهری نیستند؛ بلکه تجسم باطنی ایمان و تقرب به خداوند هستند. آن‌ها همچون پلی میان عقل نظری و عقل عملی عمل می‌کنند و شناخت را به عمل تبدیل می‌نمایند. بدون فضائل اخلاقی، حیات طیب به مفهومی ناقص تبدیل می‌شود که فاقد جوهره اصیل انسانی است. تقویت این فضائل، جامعه را به سوی عدالت، اعتماد و همبستگی سوق داده و زمینه‌ساز ظهور تمدنی الهی می‌شود. در حقیقت، فضائل اخلاقی نفس انسان را از قید رذایل رها ساخته و آن را برای دریافت انوار الهی آماده می‌سازند. این فضائل، پایه کرامت انسانی و شرط ضروری برای قرب الهی و سعادت اخروی است (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷).

۵. سازوکار تحقق حیات طیب در ابعاد فردی

۱-۵. محاسبه نفس

محاسبه نفس در حیات طیب با مرور روزانه اعمال، سنجش انگیزه‌ها و تصحیح خطاها محقق می‌شود. مسکویه بر بررسی شبانه‌ی افکار و رفتار با معیارهای عقل و شرع تأکید می‌کند. این عمل با نوشتن نقاط قوت و ضعف و تعیین برنامه برای بهبود، تدریجاً نفس را از رذایل پاک می‌کند. محاسبه مستمر نفس، کلید تهذیب باطن و تقرب به خداوند در مسیر حیات طیب است (مسکویه، ۱۳۸۲).

۵-۲. اتصال به عقل فعال

اتصال به عقل فعال در حیات طیبیه از طریق تهذیب نفس، تعقل عمیق و عبادت خالصانه محقق می‌شود. ابن سینا در کتاب شفا (بخش نفس) تأکید می‌کند که با کسب معرفت نظری و پالایش روح از مادیات، نفس انسانی آماده دریافت فیض از عقل فعال می‌گردد. این اتصال موجب اشراق معنوی و کشف حقایق شده و سعادت دنیوی و اخروی را تضمین می‌کند. بدون این ارتباط، حیات طیبیه به سطحی ناقص و مادی محدود می‌ماند (ابن سینا، ۱۴۳۴ق).

۵-۳. عبادت و مجاهده

عبادت و مجاهده در حیات طیبیه از طریق مداومت در عبادات (نماز، روزه، ذکر) و مبارزه پیاپی با هوای نفس تحقق می‌یابد. غزالی بر ترکیب عبادت ظاهری (فرائض) با مجاهده باطنی (ترک رذایل) تأکید می‌کند. این مسیر با اخلاص نیت و پایداری در ترک معاصی، قلب را برای دریافت انوار الهی آماده می‌سازد. عبادت بدون مجاهده، صوری و مجاهده بدون عبادت، خشک و بی‌ثمر خواهد بود (غزالی، ۱۳۸۹).

۶. ابعاد اجتماعی حیات طیبیه

برای تحقق حیات طیبیه در بعد اجتماعی می‌بایست دو مؤلفه (۱) اجتماع و عدالت و (۲) رهبری و حکمرانی در هر جامعه‌ای شکوفا گردد.

۶-۱. اجتماع و عدالت

این مؤلفه در دیدگاه فارابی، خواجه نصیر، ابن خلدون و اندیشمندان معاصر بارز است. عدالت اجتماعی در حیات طیبیه به معنای تضمین حقوق متعادل تمامی اعضای جامعه و توزیع عادلانه فرصت‌ها و منابع است که از طریق قوانین الهی و نظارت همگانی محقق می‌شود. این اصل، پایه‌ی استحکام جامعه و شرط ضروری برای تحقق سعادت جمعی در حیات طیبیه است. خداوند تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا

بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵). عدالت پایه‌ای اساسی برای پایداری و تعالی هر جامعه‌ای به شمار می‌رود، زیرا زمینه‌ساز اعتماد، همکاری و آرامش جمعی است. در اجتماع عادلانه، حقوق همه‌ی اعضا به صورت برابر محترم شمرده می‌شود و فرصت‌های رشد و پیشرفت به صورت عادلانه توزیع می‌گردد. از دیدگاه اسلامی، عدالت تنها به برابری مادی محدود نیست؛ بلکه شامل برابری در کرامت انسانی و دسترسی به فرصت‌های معنوی نیز می‌شود. جامعه‌ای که عدالت را سرلوحه‌ی خود قرار دهد، از آسیب‌هایی چون فقر، تبعیض و ناامنی در امان می‌ماند. تحقق عدالت نیازمند قوانین منصفانه، نهادهای نظارتی کارآمد و مشارکت فعال شهروندان است. افزون‌براین، عدالت بدون اخلاق و مسئولیت‌پذیری اجتماعی پایدار نخواهد بود. در جهان امروز، عدالت باید در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و قضایی مورد توجه قرار گیرد. تقویت همبستگی اجتماعی و مقابله با ظلم و استعمار از نشانه‌های جامعه‌ی عدالت‌محور است. درنهایت، عدالت واقعی زمانی محقق می‌شود که تمامی اعضای جامعه احساس امنیت، احترام و امید به آینده داشته باشند. اجتماع و عدالت به عنوان پیش‌نیازهای اجتماعی برای استقرار مدینه فاضله به شمار می‌آید (فارابی، ۱۳۸۵).

۲-۶. رهبری و حکمرانی

مؤلفه رهبری و حکمرانی مفاهیم کلیدی در آرای فارابی، امام خمینی علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام می‌باشد. رهبری و حکمرانی در حیات طیبیه به معنای مدیریت جامعه بر پایه عدالت، اخلاق و قانون الهی است که از طریق شایسته‌سالاری، مشورت و مسئولیت‌پذیری محقق می‌شود. این رهبری، ضامن اجرای احکام الهی و زمینه‌ساز تحقق جامعه آرمانی در حیات طیبیه است خداوند تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص، ۲۶). رهبری و حکمرانی نقش اساسی در شکل‌دهی به سرنوشت جوامع دارند. رهبری اثربخش مبتنی بر خرد، عدالت و اخلاق است و تنها به اعمال قدرت محدود نمی‌شود. حکمرانی خوب مستلزم ایجاد ساختارهای شفاف، پاسخگو و مشارکت‌پذیر است که منافع عمومی را تأمین کند. در

اندیشه اسلامی، رهبری «خدمت‌گزاری» تعریف شده و مسئولیت بزرگی در برابر خدا و مردم محسوب می‌شود. رهبران راستین با الهام از ارزش‌های الهی، مسیر تعالی و پیشرفت جامعه را هموار می‌کنند. حکمرانی عادلانه زمینه‌ساز اعتماد عمومی، همبستگی اجتماعی و توسعه پایدار است. در زمان حاضر، تلفیق حکمت دینی با دانش مدرن مدیریت، ضرورتی انکارناپذیر برای رهبری کارآمد است. رهبری بدون مشورت و تفکر جمعی به استبداد و انحراف می‌انجامد. جامعه‌ای که رهبران شایسته و حکیم داشته باشد، از آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی در امان می‌ماند. درنهایت، رهبری موفق با تحقق عدالت، تأمین امنیت و ایجاد بسترهای پیشرفت، میراثی پایدار برای نسل‌های آینده برجای می‌گذارد و از این‌رو، رهبری و حکمرانی شایسته به عنوان پیش‌نیازهای اجتماعی و نهادی استقرار مدینه فاضله و تحقق کمال انسانی تلقی می‌شوند (فارابی، ۱۳۸۵، ص ۷۲؛ طوسی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۲؛ ابن‌خلدون، ۱۳۸۴، ص ۳۵۶).

۷. مؤلفه‌های تعالی‌بخش در ابعاد اجتماعی حیات طیبه

در بعد اجتماعی و برای دستیابی به مؤلفه‌های اجتماع و عدالت و رهبری و حکمرانی سه مؤلفه مدینه فاضله، عصیت و همبستگی و ولایت فقیه باید تکامل یابد.

۷-۱. مدینه فاضله

مدینه فاضله در مفهوم حیات طیبه، نماد جامعه‌ای آرمانی است که در آن عدالت، فضیلت و تعاون بر تمامی شئون زندگی حاکم است. این شهر آرمانی (که ریشه در اندیشه‌های فلسفی فارابی دارد) جایی است که انسان‌ها در پرتو رهبری حکیم و قوانین الهی، به سوی سعادت جمعی حرکت می‌کنند. در مدینه فاضله، عقلانیت و اخلاق مبنای تصمیم‌گیری‌ها هستند و رفاه مادی و تعالی معنوی در تعادل قرار دارند. چنین جامعه‌ای بستر تحقق حیات طیبه را فراهم می‌آورد، زیرا فرد و اجتماع در مسیر یکدیگر به کمال می‌رسند. بدون استقرار مدینه فاضله، تحقق کامل حیات طیبه در سطح جمعی ممکن نخواهد بود (فارابی، ۱۳۸۵).

۲-۷. همبستگی اجتماعی

عصبيت و همبستگی اجتماعی در نظریه ابن خلدون، به عنوان پایه‌ای اساسی برای تحقق حیات طیبیه در سطح جامعه عمل می‌کند. عصبيت (که بر پایه پیوندهای خویشاوندی، فرهنگی و ارزشی استوار است) نیروی محرکه‌ای برای اتحاد، همکاری و دفاع جمعی در برابر تهدیدات است. در چارچوب حیات طیبیه، این همبستگی باید بر محور عدالت و اخلاق شکل گیرد، نه بر اساس تعصبات کور قومی یا گروهی. چنین همبستگی‌ای زمینه‌ساز ایجاد مدینه فاضله می‌شود که در آن مصالح جمعی بر منافع فردی ارجحیت دارد. بدون عصبيت سازنده، جامعه به سوی تفرقه و ضعف حرکت می‌کند و تحقق حیات طیبیه ناممکن می‌شود (ابن خلدون، ۱۳۸۴). همبستگی اجتماعی در حیات طیبیه به معنای اتحاد و تعاون اعضای جامعه بر پایه ارزش‌های مشترک دینی و انسانی است که از طریق احترام متقابل و مسئولیت‌پذیری جمعی محقق می‌شود. خداوند تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل‌عمران، ۱۰۳). این همبستگی، پایه اقتدار جامعه اسلامی و زمینه‌ساز تحقق عدالت و پیشرفت در حیات طیبیه است.

۳-۷. ولایت فقیه

ولایت فقیه به عنوان الگویی برای رهبری دینی و سیاسی در اندیشه شیعی، نقش محوری در تحقق حیات طیبیه در سطح جامعه دارد. این مفهوم بر اساس نظریه‌ای است که بر اساس آن، در عصر غیبت امام معصوم (علیه السلام)، فقیه عادل و آگاه به زمان، مسئولیت هدایت جامعه را بر عهده می‌گیرد تا قوانین الهی اجرا شود و عدالت برقرار گردد. ولایت فقیه در حیات طیبیه به معنای رهبری جامعه اسلامی توسط فقیه عادل و آگاه به زمان است که تضمین‌کننده اجرای احکام الهی و تحقق عدالت اجتماعی می‌باشد. این نهاد، ادامه ولایت معصومین (علیهم السلام) و زمینه‌ساز تشکیل مدینه فاضله در عصر غیبت است (امام خمینی، ۱۳۷۹). در چارچوب حیات طیبیه، ولایت فقیه تضمین‌کننده اجرای احکام اسلامی، پاسداری از ارزش‌های اخلاقی و تحقق عدالت اجتماعی است. رهبری فقیه - که بر

پایه‌ی علم دینی، تقوا و کاردانی استوار است - جامعه را از افتادن در ورطه‌ی ظلم، فساد و انحراف حفظ می‌کند. این نهاد همچنین همبستگی ملی و وحدت اسلامی را تقویت می‌کند و با ارائه‌ی الگویی برای حکمرانی عادلانه، بستری برای تعالی فرد و جامعه فراهم می‌آورد. بدون چنین رهبری، ممکن است جامعه از مسیر الهی منحرف شده و تحقق حیات طیبه (که نیازمند نظم، امنیت و عدالت است) با مشکل مواجه شود. به طور خلاصه، ولایت فقیه به عنوان نماد عینیت یافتن دین در حکومت، ابزاری برای تحقق آرمان‌های حیات طیبه در سطح کلان است و زمینه‌ساز ظهور جامعه‌ی متکی بر قانون خدا و کرامت انسانی می‌باشد.

۸. سازوکار تحقق حیات طیبه در ابعاد اجتماعی

۸-۱. رهبری حکیم

رهبری حکیم در حیات طیبه از طریق اتصال به عقل فعال، عدالت محوری و الگوگیری از سنت پیامبران تحقق می‌یابد. فارابی تأکید می‌کند که رهبر باید دارای صفات حکمت، عفت و شجاعت باشد و با اتصال به عقل کل، جامعه را به سعادت رهنمون شود. چنین رهبری با تشکیل نظام مشورتی و اجرای قوانین الهی، مدینه فاضله را پایه‌ریزی می‌کند. رهبری بدون حکمت، به استبداد و انحراف می‌انجامد (فارابی، ۱۳۸۵). رهبری حکیم در حیات طیبه از طریق ترکیب دانش عقلی، فضایل اخلاقی و التزام به شریعت محقق می‌شود. خواجه نصیرالدین طوسی در اخلاق ناصری (باب سیاست مدن) تأکید می‌کند که حاکم باید عارف به احکام الهی، دوربین در مصالح عمومی و قادر به ایجاد عدالت اجتماعی باشد. چنین رهبری با مشورت با صاحبان خرد و اجرای قوانین مبتنی بر حکمت، جامعه را به سوی کمال هدایت می‌کند. رهبری حکیم، زمینه‌ساز تحقق حیات طیبه جمعی است (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۹۹).

۸-۲. توزیع عادلانه منابع

توزیع عادلانه منابع در حیات طیبه از طریق شناخت نیازهای واقعی جامعه،

اولویت‌بندی بر اساس عدالت و نظارت مستمر محقق می‌شود. امام علی (ع) در «نهج‌البلاغه» (نامه ۵۳) با تأکید بر اینکه «الْأَسْبَبُ فِي الْعَدْلِ مُوَاسَاةٌ»، بر مشارکت عمومی و رسیدگی به محرومان به عنوان پایه عدالت تأکید می‌کند. این رویکرد با شفافیت در تخصیص بودجه و جلوگیری از انباشت ثروت، شکاف طبقاتی را کاهش می‌دهد. توزیع عادلانه منابع، زمینه‌ساز همبستگی اجتماعی و تحقق مدینه فاضله است (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۷).

۸-۳. مشارکت مردمی

مشارکت مردمی در حیات طیبیه از طریق مشورت‌پذیری حاکمان، مسئولیت‌پذیری شهروندان و نهادینه‌سازی مشارکت عمومی محقق می‌شود. امام علی (ع) در خطبه نهج‌البلاغه ۲۱۶ می‌فرماید: «مَنْ أَضْغَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ» و بر ضرورت بهره‌گیری از خرد جمعی تأکید می‌کند. این مشارکت با تشکیل شوراهای مردمی، شفافیت در تصمیم‌گیری و واگذاری مسئولیت‌های اجتماعی به مردم، جامعه را به سمت تعالی سوق می‌دهد. مشارکت واقعی، زمینه‌ساز مقابله با استبداد و تحقق حکومت عدل است (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۷).

۹. بعد متافیزیک حیات طیبیه

۹-۱. عبادت و تقرب الهی
این مؤلفه اساس دیدگاه غزالی، ابن عربی، امام خمینی (ع) و آیت‌الله بهجت (ع) است. عدالت و تقرب الهی در حیات طیبیه دو روی یک سکه‌اند؛ عدالت اجتماعی بستر ساز تقرب جمعی به خداست و تقرب فردی، عدالت‌ورزی را در وجود انسان نهادینه می‌کند. تحقق عدالت در جامعه، عینی‌ترین تجلی بندگی و مقدمه‌ای ضروری برای قرب الهی است (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳۷). عبادت، راهی برای ارتباط با خداوند و تقرب به اوست که در ادیان الهی به ویژه اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. این مفهوم فراتر از انجام مناسک ظاهری، به معنای تسلیم کامل در برابر اراده الهی و اخلاص در نیت است. تقرب الهی هدف نهایی عبادت است که در پرتو طاعت، ذکر و تفکر حاصل می‌شود. در متون

اسلامی، عبادت وسیله‌ای برای تکامل روحی و رسیدن به «حیات طیبه» معرفی شده است. عبادت واقعی علاوه بر رشد فردی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و خدمت به خلق را نیز در بر می‌گیرد. تقرب به خداوند آرامش درونی، معنای زندگی و مقاومت در برابر بحران‌ها را به ارمغان می‌آورد. در جهان امروز، عبادت می‌تواند پاسخی به پوچ‌گرایی و اضطراب‌های مدرن باشد. تلفیق عبادت با زندگی روزمره، آن را از صوری‌گرایی خارج کرده و به تجربه‌ای عمیق تبدیل می‌کند. تقرب الهی بدون تهذیب نفس و اخلاق ممکن نیست و این دو مکمل یکدیگرند. درنهایت، عبادت راستین انسان را به مقام «عبد صالح» می‌رساند که محبوب خداوند است. در دیدگاه‌های عرفانی، عبادت نه تنها مجموعه‌ای از اعمال ظاهری؛ بلکه غایت نهایی سلوک انسانی و طریق تحقق قرب الهی تلقی می‌شود؛ به گونه‌ای که حقیقت عبادت در وصول به مقام قرب و عبودیت محض معنا می‌یابد (غزالی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۳۲۱).

۹-۲. توسل و زیارت

در اندیشه اسلامی، توسل و زیارت به عنوان یکی از ابعاد حیات طیبه، جایگاه والایی دارد که در آرای اندیشمندانی چون ابن عربی و علامه طباطبائی تبلور یافته است. ابن عربی با نگاه عرفانی خود، اولیای الهی و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) را مظاهر اتم ولایت و حقیقت محمدیه می‌داند. وی در آثار خود چون فتوحات مکیه و فصوص الحکم، به تمجید از اهل بیت (علیهم‌السلام) به ویژه حضرت علی (علیه‌السلام) پرداخته و ایشان را «باب مدینه العلم النبوی و صاحب الاسرار امام‌ها» معرفی می‌کند که نشان‌دهنده جایگاه والای ایشان در سلسله ولایت و عرفان اسلامی است (ابن عربی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۹؛ عفی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۵). ابن عربی همچنین در اشعار خود درباره امام زمان (علیه‌السلام) می‌سراید: «ألا إن ختم الأولیاء شهید و عین إمام العالمین فقیه» (آگاه باش که قطعا خاتم اولیاء شاهد و ناظر است و شخص امام عالمیان از دیده‌ها پنهان است) که بیانگر اعتقاد وی به منزلت اقطاب و اولیاء در نظام هستی و نقش ایشان در هدایت معنوی انسان‌هاست (قیصری، ۱۳۷۵، ص ۳۲۴).

علامه طباطبائی (علیه‌السلام) نیز با رویکردی فلسفی-تفسیری، بر ضرورت توسل به اولیای الهی

تأکید می‌کند و آن را در چارچوب توحید و نظام علیت تبیین می‌نماید. ایشان در پاسخ به شبهه افکنان در مسئله توسل، تصریح می‌کند که شرک در جایی است که اشخاص یا اشیاء را مستقل از خداوند مؤثر بدانیم، اما توسل به اولیا به عنوان وسیله‌ای در پیشگاه خداوند، نه تنها شرک نیست؛ بلکه عین توحید و عمل به آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (مانده، ۳۵) است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۱۸۹) علامه طباطبائی در رساله‌ای ارزشمند به نام رسالة الولاية، ولایت را باطن نبوت و حقیقت دین معرفی می‌کند و معتقد است سیر و سلوک عرفانی خالصانه، سالک را به درک عترت طیبه می‌رساند و از انوار جمالی و جلالیه حق و نور ولایت ایشان بهره‌مند می‌نماید (طباطبائی، ۱۳۸۹، ص ۶۷). ایشان همچنین در تفسیر المیزان، زیارت قبور اولیا و تبرک به تربت آنان را از مصادیق تعظیم شعائر الهی و نشانه تقوای قلوب می‌داند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۳۱۲).

۱۰. مؤلفه‌های تعالی بخش در بعد متافیزیک حیات طیبه

در بعد متافیزیک و برای دستیابی به مؤلفه عبادت و تقرب الهی سه مؤلفه عرفان و شهود، اخلاص و بندگی و جاودانگی نفس باید تکامل یابد.

۱-۱۰. عرفان و شهود

عرفان و شهود به عنوان جاده‌ای برای رسیدن به حقیقت، در تحقق حیات طیبه نقش اساسی ایفا می‌کنند. عرفان و شهود در حیات طیبه به معنای سیر باطنی و دریافت مستقیم حقایق معنوی از طریق تهذیب نفس و اخلاص در عبادت است. این مسیر، موجب کشف اسرار الهی و تقرب قلبی به خداوند می‌شود و حیات طیبه را از سطح ظاهر به عمق باطن ارتقا می‌دهد. خداوند تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: «وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمَ كُفُّمُ اللَّهُ» (بقره، ۲۸۲).

عرفان (با تأکید بر سیروسسلوک باطنی و تهذیب نفس) قلب انسان را برای دریافت انوار الهی آماده می‌سازد. شهود نیز به عنوان چشم دل، حقایقی را فراتر از درک حسی و عقلی آشکار می‌کند که مبنای یقین و عمل صالح قرار می‌گیرد. در مسیر حیات طیبه،

عرفان و شهود پل ارتباطی بین انسان و خدا هستند و زندگی را از ظاهر به باطن و از ماده به معنا متحول می‌کنند. بدون این دو، حیات طیبه به سطحی ناقص و خشک کاهش می‌یابد که فاقد جذبه‌ی معنوی و عمق وجودی است. مولوی، در مثنوی معنوی، دفتر اول می‌سراید:

عقل را چشمی است دل را چشمی دگر زان دو چشم ست اینقدر وان دیده بیش
(مولوی، ۱۳۸۶، دفتر اول، ص ۴۵).

۱۰-۲. اخلاص و بندگی

اخلاص و بندگی در حیات طیبه به معنای خالص کردن نیت برای خداوند و انجام تمام اعمال تنها برای رضای اوست. این اخلاص، روح عبادات و اعمال نیک را تشکیل می‌دهد و شرط اساسی قبولی اعمال و تقرب به درگاه الهی است. خداوند تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (بینه، ۵).

اخلاص و بندگی، قلب تپنده حیات طیبه را تشکیل می‌دهند و نشان‌دهنده نیتی پاک و خالص برای عبادت و خدمت به خداوند هستند. اخلاص به معنای انجام اعمال تنها برای رضای الهی و دوری از هرگونه ریا و خودنمایی است. در مسیر حیات طیبه، بندگی خالصانه موجب می‌شود که تمامی اعمال انسان (از عبادت تا فعالیت‌های اجتماعی) به عبادتی تبدیل شود که مقبول درگاه الهی است. بدون اخلاص، اعمال هرچند بزرگ، فاقد روح و اثر معنوی‌اند و توانایی ارمغان‌آوردن سعادت حقیقی را ندارند؛ ازاین‌رو، اخلاص شرط ضروری برای رسیدن به قرب الهی و تحقق کامل حیات طیبه است (قرآن کریم، بینه، ۵؛ مائده، ۲۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۳۴۶).

۱۰-۳. جاودانگی نفس

جاودانگی نفس در حیات طیبه به معنای بقای روح پس از مرگ و تداوم سیر تکاملی انسان در عوالم دیگر است. این باور، به زندگی دنیایی معنا بخشیده و انگیزه‌ای برای حرکت به سوی کمال و تقوا ایجاد می‌کند. جاودانگی نفس به عنوان یکی از ارکان

اساسی حیات طیبه، باور به بقای روح پس از مرگ و ادامه سیر تکاملی انسان در عوالم دیگر است. این مفهوم (که ریشه در تعالیم اسلامی دارد) به زندگی دنیایی معنا می‌بخشد و انگیزه‌ای برای حرکت به سوی کمال و تقوا ایجاد می‌کند. در مسیر حیات طیبه، جاودانگی نفس تأکید می‌کند که اعمال و اخلاق انسان نه تنها در زندگی دنیوی، بلکه در سرنوشت ابدی او تأثیر مستقیم دارد. بدون این باور، زندگی ممکن است به دایره‌ای محدود از لذات مادی کاهش یابد و از معنای عمیق خود دور شود؛ بنابراین، ایمان به جاودانگی نفس، محرکی برای انتخاب‌های آگاهانه و مسئولیت‌پذیری در برابر افکار و اعمال است (ملاصدرا، ۱۳۹۸).

۱۱. سازوکار تحقق حیات طیبه در بعد متافیزیکی

۱-۱۱. ذکر و مراقبه

ذکر و مراقبه در حیات طیبه از طریق تداوم یاد خدا، نظارت بر نیات و پالایش درونی محقق می‌شود. امام خمینی علیه السلام ذکر را «غذای روح» و مراقبه را «کلید نجات از غفلت» می‌داند. این عمل با اخلاص در عبادت، مرور اشتباهات و تصحیح مستمر نفس، قلب را برای دریافت انوار الهی آماده می‌سازد. ذکر و مراقبه پیوسته، پل ارتباطی بنده با معبود و اساس سیر و سلوک در مسیر حیات طیبه است (امام خمینی، ۱۳۷۱).

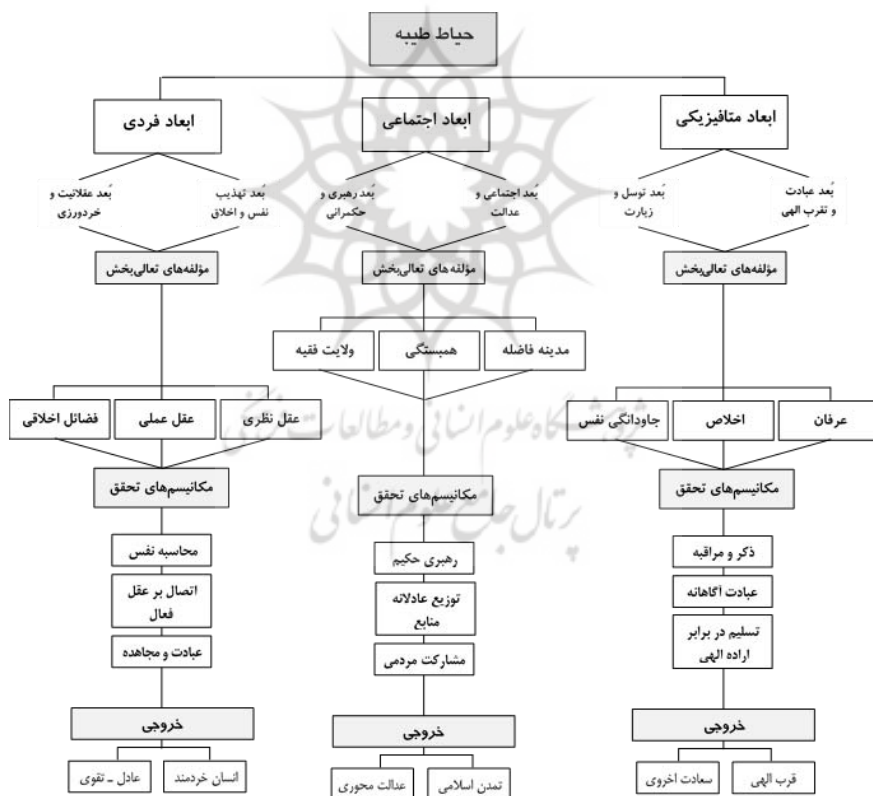
۲-۱۱. عبادت آگاهانه

عبادت آگاهانه در حیات طیبه از طریق شناخت فلسفه عبادات، حضور قلب و درک آثار تربیتی آن محقق می‌شود. شهید مطهری در آشنایی با قرآن تأکید می‌کند که عبادت بدون معرفت، همچون پیکری بی‌روح است. این نوع عبادت با تدبر در مفاهیم نماز و روزه، ارتباط عاطفی با خدا و انعکاس آثار عبادی در اخلاق، بندگی را از صورت به معنا ارتقا می‌دهد. عبادت آگاهانه، زمینه‌ساز تکامل معنوی و تحقق حیات طیبه است (شهید مطهری، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۱۲۳).

۱۱-۳. تسلیم در برابر اراده الهی

تسلیم در برابر اراده الهی در حیات طیبیه از طریق رضایت به قضای خدا، توکل عملی و درک حکمت های الهی محقق می شود. امام علی علیه السلام در حکمت ۱۴۷ نهج البلاغه می فرماید: «رَضِیْتُ بِاللّٰهِ رَبًّا...» و تسلیم را نشانه ای ایمان راستین می داند. این تسلیم با پذیرش سختی ها به عنوان آزمایش، شکرگزاری در نعمت ها و اجتناب از اعتراض به تقدیر، آرامش درونی را به ارمغان می آورد. تسلیم واقعی، اوج عبودیت و زمینه ساز قرب الهی در حیات طیبیه است (سیدرضی، ۱۳۸۷).

در پایان الگوی (شکل ۱) جهت پیاده سازی حیات طیبیه در جامعه اسلامی پیشنهاد می گردد.



شکل (۱)

نتیجه‌گیری

حیات طیبه در اندیشه اسلامی یک ساختار چندبعدی دارد که شامل فرد (عقلانیت و اخلاق)، اجتماع (عدالت و رهبری) و متافیزیک (تقرب به خدا) است. تحقق آن نیازمند هم‌نوایی میان عقل، شرع و عرفان است و در بستر یک نظام سیاسی-اجتماعی عادلانه امکان‌پذیر می‌شود. این مفهوم از نگاه تک‌بعدی فلسفی یا عرفانی فراتر رفته و به یک الگوی جامع تربیتی-تمدنی تبدیل می‌شود.

حیات طیبه در اندیشه اسلامی به مثابه یک الگوی جامع و چندبعدی، تصویری کامل از زندگی مطلوب انسانی ترسیم می‌کند که در سه سطح به هم پیوسته تعریف می‌شود؛ در سطح فردی، این مفهوم بر پایه عقلانیت و اخلاق استوار است. عقلانیت به معنای بهره‌گیری از خرد در تشخیص حق از باطل و اخلاق به معنای تجلی فضایل انسانی در رفتارهاست. این بعد تأکید می‌کند که انسان باید با تهذیب نفس و پرورش عقل نظری و عملی، خود را به کمال برساند.

در سطح اجتماعی، حیات طیبه بر عدالت و رهبری صالح تأکید دارد. عدالت به عنوان محور جامعه آرمانی، تضمین‌کننده حقوق تک‌تک جامعه است و رهبری و حکمرانی که بر اساس ارزش‌های الهی عمل می‌کند، زمینه‌ساز تحقق این عدالت می‌شود. این بعد اجتماعی نشان می‌دهد که سعادت فردی در گرو سعادت جمعی است. در سطح متافیزیکی، تقرب به خدا به عنوان غایت نهایی مطرح می‌شود. این بعد بر ارتباط مستقیم انسان با خداوند از طریق عبادت، ذکر و اخلاص تأکید دارد و هدف نهایی حیات را فراتر از اهداف مادی تعریف می‌کند.

تحقق این سه بعد نیازمند هم‌نوایی سه منبع معرفتی است: عقل، که توانایی کشف حقایق را دارد؛ شرع، که راهنمای الهی است و عرفان، که به درک شهودی حقایق می‌پردازد. این سه باید در تعامل هماهنگ با یکدیگر عمل کنند. این الگو تنها در بستر یک نظام سیاسی-اجتماعی عادلانه قابل تحقق است. نظامی که بر پایه قوانین الهی استوار باشد، مشارکت مردم را تضمین کند و زمینه رشد همه‌جانبه انسان را فراهم آورد.

حیات طیبه از نگاه تک‌بعدی فراتر رفته و به یک الگوی تربیتی-تمدنی تبدیل

می‌شود. به این معنا که هم برنامه‌ای برای تربیت فردی ارائه می‌دهد و هم الگویی برای ساختن تمدن اسلامی پیش‌رو می‌نهد. این مفهوم پاسخی جامع به بحران‌های جهان مدرن است. هم به نیازهای مادی انسان توجه دارد و هم پاسخ‌گوی نیازهای معنوی اوست. هم به عدالت اجتماعی می‌اندیشد و هم به کمال فردی توجه می‌کند. درنهایت، حیات طیبه به عنوان راهبردی برای تحقق تمدن نوین اسلامی مطرح می‌شود که می‌تواند الگویی برای همه جوامع انسانی ارائه دهد. الگویی که مبتنی بر فطرت انسان است و می‌تواند سعادت دنیوی و اخروی او را تضمین کند.



منابع

- * قرآن کریم
- ** نهج البلاغه
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۲). حیات طویه در اندیشه اسلامی: ابعاد، شاخص‌ها و الزامات. تهران: سمت.
- ابن خلدون. (۱۳۸۴). مقدمه ابن خلدون (ج ۱، مترجم: محمد پروین گنابادی). تهران: امیرکبیر.
- ابن عربی، محیی‌الدین. (۱۳۹۹). فصوص الحکم (مترجم: حسین مریدی). تهران: انتشارات جامی.
- ابن عربی، محیی‌الدین. (بی‌تا). الفتوحات المکیة (ج ۲). بیروت: دار صادر.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۸۴). الاشارات و التنبیها (مصحح: سلیمان دنیا). تهران: انتشارات حکمت.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. (۱۴۳۴ ق). الشفاء. تهران: انتشارات ذوی‌القربی.
- بهجت، محمدتقی. (۱۳۹۶). بهجت‌الدعا. قم: انتشارات موسسه فرهنگی هنری البهجه.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۷). بیانی‌ه گام دوم انقلاب اسلامی. تهران: دفتر نشر انقلاب اسلامی.
- خمینی، سیدروح‌اله. (۱۳۷۱). شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
- خمینی، سیدروح‌اله. (۱۳۷۹). کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
- خمینی، سیدروح‌اله. (۱۳۸۹). صحیفه امام (ج ۳). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
- رخشاد، محمدحسن. (۱۴۰۲). در محضر بهجت. تهران: انتشارات فیض فرزانه.
- السید الرضی، محمدبن حسین شریف. (۱۳۸۷). نهج‌البلاغه (مترجم: محمد دشتی). قم: انتشارات الهادی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۹). رساله‌الولاية. قم: بوستان کتاب.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۰). تفسیر المیزان (ج ۵، ۱۰ و ۱۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

